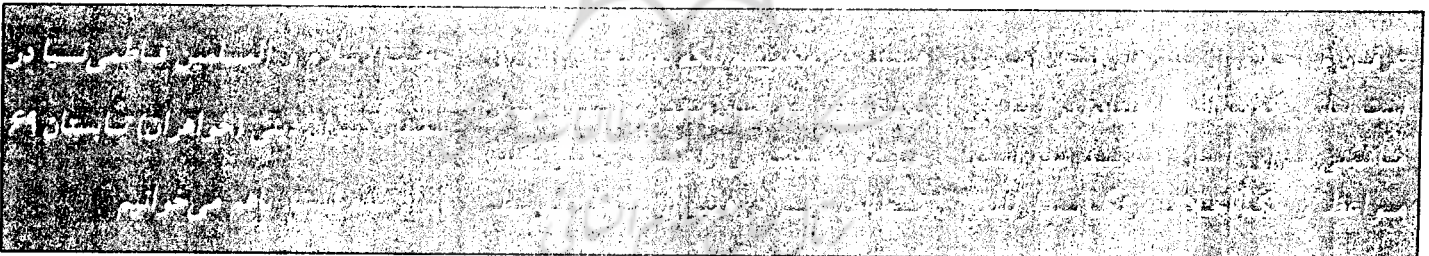




صحبت صاحب‌دلی



یا یک مورد دیگر که تلفن به یکی از این مدارس خواهران تهران بود و خواهی با لحن غلیظ جواب می داد. بواسطه امری من تلفن زدم و صدای ایشان را شنیدم که: سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته (با لحن غلیظ)، این اسباب نورانیت نیست و من تذکر دادم که بفرمائید ادا درنیارود سجع و قافیه و مشتت عبارات و ادا و اطوار که تزکیه نیست. یا در اداره شخصی به کسی که یک سرگردن از او بلندتر است تهنیت سرورید که او مسئله دار است. بعد از تهنیت بسلام می شود خود این شخص از او

بفرستیم اول با شمار برخوردار می کشید. سوچه کنیم تزکیه یعنی چه؟ چه کسی تزکیه می کشد؟ آقا تزکیه تشنح نیست. آدم قیافه بگیرد. برسایین بیندازد. دفتر بگیری زیر بغل بزنه خودکاری با چند اصطلاح. این تزکیه نیست. یادداشت در کیسبونی شرکت کردم و آقایان من استایل خلی اسلامی برخوردار بکنند. می آیم از قران را مورتاز می کشرد: بسم الله الرحمن الرحیم
الحمْد لله
اللهم صل علی محمد وعلی آله وارض عنکم اجمعین ادا درآوردیم است.

مبحث مختصری خدمتان عرض می کنم شاید که در ذهن بماند و انشاءالله به مقاصدی برسید و ما را از دعا فراموش نفرمائید. آیة‌ای است در قران که جزء اهداف ایسن دستگاه بزرگ است، دستگاه با عظمت خداوند قران می فرماید: یزکیهم ویسنلهم الکتاب والحکمة. متأسفانه برخوردار، اکثراً با مسائل شعاری است و قبل از شعوره شمار ساکبت دارد. شمار جایی دارد. شعور شم ساین دارد تمام در و دیوار از آب و یزکیهم بی نغمه است.
قبل از اینکه شمار به سر می آن سلاب

*** تزکیه شعار نیست، تصنع نیست که آدم قیافه بگیرد - سر بزیز اندازد - دفتر بیگیری زیر بغل بزیزد و مشتت سجع و قافیه و عبارات و ادا و اطوار تحویل دهد.**

از خیارچ آورده بود تا کوههای سیمان او را تخمین بزنند. گفته بودند این کوهها صد سال یعنی فقط یک قرن سیمان خواهد داد و او برسیده بود بعد از صد سال چه کنیم؟ همین ابتهاج در رودخانه افتاد او را آب برد و اثری از او پیدا نشد. همین صاحبدل می گفت انسان است و حب بقاء، دوست دارد فانی نشود و همیشه باقی باشد. فرموده اند که خلقتم للبقاء لا للفناء بهر حال تزکیه ابعادی دارد انسان باید پوشیده عمل کند و آن زوایا را کشف کند. مرحوم علامه طباطبایی می فرمودند که من در نجف مشکلی داشتم که در آن متحیر بودم، نیمه های شب در حجره نشسته بودم و فکر می کردم ناگهان دیدم شخصی روبروی من نشسته است به من گفت به چه فکر می کنی مشکل تو روز پنجشنبه ساعت ۸ صبح حل خواهد شد. از او پرسیدم کیستی؟ اسمی را گفت که صلاح نیست من الان عرض کنم. دقت

قول یکی از دوستان اینگونه عزت ها بسته به یک تلفن است.

حضرت امیر در آن خطبه می فرماید: این الملوک؟ کجایند پادشاهان اینهمه عزت ظاهری پادشاهان و خلفاء، رؤسای جمهور آمد و رفت. عزتی را که نمی توانند از انسان بستانند با تزکیه درست می شود. تزکیه هم با شعار درست نمی شود.

ما در تهران جلسات اخلاق داریم. در بین همین جلسات، جلسه اخلاقی سراغ دارم که محصول آن هر سال یک آدم ذیوانه است. یعنی نوصیه به پرهیز از گوشتخواری و مشتت ادا و اصول، گردن کج و شانه های پائین افتاده. باید

بیشتر مسئله دارد (گرچه آدم بی مسئله وجود ندارد) شخص صاحب تزکیه که حسادت نمی کند با تزکیه همه حرکات آدمی عوض می شود. حرف زدن، حرکات و سایر مسائل آدمی تغییر می کند. تزکیه شعار نیست. شما که الحمدلله خود اهل فضل و تزکیه هستید و پاکیزه. تزکیه که با نقاشی روی دیوار حاصل نمی شود آثارش باید مشخص و معلوم باشد. تزکیه اجتناب از غیبت، بدبینی، حسادت است و پایندی به شریعت من کان یرید العزّة فله العزّه جمیعاً.

اليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه. این برنامه عزت است و کسانی که از آن دور می افتند به خاطر خود نشان دادن است. آرزوی شاخص شدن و یک سروگردن از دیگران بلندتر شدن.

قران مطلب را در مورد عزت طلبی چنین طرح می کند:

۱- مشروعیّت عزت طلبی

۲- تلویح و تصریح در نشان دادن مکان عزت.

یک وقت ما مشروعیّت آب خوردن را تجویز می کنیم، یک وقت جای آب را نشان می دهیم و خود آب را تا شخص در تطبیق اشتباه نکند. عزت، سر بلندی و سرفرازی خوب است منتهی باید جایش را نیز نشان داد تا میز اسباب عزت نشود تا مقام اسباب عزت نشود. عزت مخصوص خداست. میز چه بزرگ چه کوچک آن انسان را عزیز نمی کند. همین میز را با چند سانت کاغذ از انسان می گیرند. وقتی تشریف می آورید روی کاغذی نوشته اند که: بسمه تعالی. با تقدیر و تشکر از زحمات حضر تعالی... یعنی التماس دعا یعنی در منزل تشریف داشته باشید تا خبرتان کنیم. به

*** میز، چه بزرگ چه کوچک آن اسباب عزت نیست، عزت مخصوص خداست**

کنید این بُعدی ناشناخته از ابعاد وجودی انسان است که با تزکیه کشف می شود و مشکلات را حل می کند. ما عبارت «من عرف نفسه فقد عرف ربه» را به شوخی می گیریم. کی خودش را شناخته است؟ گران قیمت هستیم و خود را ارزان می فروشیم. ما با یک هوس گاهی مصالحه می کنیم. بعد علامه فرمودند اتفاقاً آن امر ساعت ۸ صبح پنجشنبه درست شد. این خداشناسی است، با خداشناسی خیلی موضوعات حل می شود. همه قرآن را می خوانیم ولی چه مقدار تجزیه و تحلیل می کنیم؟ چه مقدار باور کرده ایم؟ ما چند بار خوانده ایم که: «ان الله علی کل شیئی قدیر» ولی چند بار باور کرده ایم که خدا قادر است؟ ما

دید خدا چه می خواهد، رضای خدا در چیست؟ فلاسفه اصلی دارند با عنوان اینکه: انسان به هر چه مشتاق است خواهد رسید یعنی آن چیز مقدور خواهد بود.

انسان مشتاق بود به کره ماه برود، رفت، می خواست کف و اعماق اقیانوسها را ببیند، امروز دیده است و... انسان حب بقاء دارد، ماندن یکی از چیزهایی است که انسان در پی اوست.

صاحبدلی که در خدمت او بودم می گفت: اگر امام زمان به کسی ضمانت عمر هزار ساله بدهد نگران بعد از هزار سال خواهد بود. شاید اسم «ابتهاج» زمان شاه را شنیده باشید. کارخانه سیمانی داشت کارشناسی را

*** باید دید خدا چه می خواهد - رضای خدا در چیست؟**

*** (انسان) گران قیمت است و خود را ارزان می‌فروشد، ما گاهی با یک هوس مصلحه می‌کنیم**

اهل بیت است.

علامه طباطبائی نیز می‌فرمود که زمانی در تبریز در جریان تخریب یک قبرستان سنگ قبری کشف شد خیلی عجیب و غریب، علامه می‌فرماید پس از آمدن مأمور دولت و کارگران و... شیون و هیاهو مرا خواستند تا روی سنگ را بخوانم. دیدم این شخص ۴۰۰ سال پیش مرده است و این همانی است که در نجف به من دلداری و وعده رفع گرفتاری داده یعنی بعد از ۴۰۰ سال آمده و حرفی زده و باز رفته است. این معنای «خلقتم للبقاء لاللفناء» است. این سخن معصوم است که تو یک موجود جاودانه هستی. خدا نیز همیشه در را به روی تو باز گذاشته است، جاودانگی داده است. پذیرایی مقطعی نیست هرگاه بخوانی جواب می‌دهد. عزت خدا داده را دیگران نمی‌توانند از

دعا باشد و مردم دور او جمع شوند، صاحب کراماتی بوده است که بزرگان جلوی او زانو می‌زدند گاهی مردم عوام بت درست می‌کنند ولی آقا شیخ اینطور نبوده است. یکی از بزرگان قم جلوی او زانو می‌زد و می‌گفت آقا شیخ بفرمایید و آقا شیخ رجبعلی آنچنانکه من و شما حیاط را می‌بینیم، برزخ را می‌دید و از آنجا برای او می‌گفت. این آقا شیخ رجبعلی شاگردی داشت درویش که از راه ریاضات غیر اهل بیت به جاهایی رسیده بود (ریاضتی هم داریم از طریق اهل بیت که هم‌اشار نور است)

چند بار خوانده‌ایم که: یا ایها الذین آمنوا آمنوا... یعنی ای مومنین ایمان بیاورید. تفسیر این آیه اینست که ایمان مراتب عدیده دارد و این درخواست، تحصیل حاصل نیست. اگر به شما که نشسته‌اید بگویند بنشینید، حرف بیخودی است چون تحصیل حاصل است ولی اگر خود نشستن مراتبی داشته باشد اینطور نیست. مثلاً درس خواندن مراتبی دارد اگر به شما بگویند دختر جان درس بخوان ته اینکه نمی‌خوانی بلکه یعنی دانش‌آموزی نمره ۲۰ - ۱۸ - ۱۰ - ۱۵ دارد. یعنی بجای ۱۵، ۲۰ بگیر. یعنی شمایی که صبح بر می‌خیزی، نماز صبح می‌خوانید، حجاب دارید، حیاه دارید و مسلمانید بیائید همه چیز را قبول کنید. اگر همه چیز را قبول کردیم خوارق عادات از ما سر خواهد زد.

*** اگر همه چیز (طاعات) را قبول کردیم خوارق عادات از ما سر خواهد زد.**

تو بگیرند. او عزتش را از نماز شب کسب کرده است، دیگران با او چکار می‌توانند بکنند؟ عزت امام را توانستند از او بگیرند؟ فرمود آقا به این عراق کمک نکنید روزی به خود شما حمله خواهد کرد بعد آمریکا هم داخل منطقه خواهد آمد. شما نوارش را گوش کنید. الان تحقیق پیدا کرده است و آمریکا، عربستان و کویت همه می‌گویند ما از اینکه به او کمک کردیم اشتباه کرده‌ایم. که یکی از بزرگان به من گفت اینهم خواست خداست تا پرده‌ای دیگر از چهره امام برافند. امام کی مُرده است؟ شما جوانید بهتر درک می‌کنید من که گنه‌کارم. سر قبر او بروید هنوز عزت دارد این عزت خداداد است که دیگران نتوانند از او گرفت.

از رهگذر خاک سر کوی شما بسود هر نسافه که در دست نسیم مسخر افتاد که من آرزو کرده‌ام به هنگام مرگ این بیت بر زبانم جاری باشد. بهر حال، آقا شیخ رجبعلی درویش را از ریاضات آنگونه منع می‌کرد. مثلاً همه در و پنجره‌ها بسته بود و درویش از دیوار می‌آمد، کارهایی از این قبیل که مردم برای آن ضعف می‌کنند ولی برای آقا شیخ مسخره‌ای نداشت و خیلی درویش را نصیحت می‌کرد که دست بردارد. بهر حال این درویش (که الان قبرش نزدیک قبر آقا شیخ رجبعلی است) مُرده و آقا شیخ بالای قبر او حاضر شده و گفته بود که بزرگش سخیلی تاریک است. یعنی او در برزخ هیچ بنیاد نمی‌بیند. این نشان کمبود نور

الان که خدمت شما نشسته‌ام کسی را سراغ دارم که حیوانات از او اطاعت می‌کنند و الله نمی‌توانم بگویم که چیزهای بالاتر هم از او اطاعت می‌کنند. خدمت او رفتم پیرمردی است هشتاد ساله که امام هم خیلی به ایشان عنایت داشت. سیدی بزرگوار با یک دستگاه سماور که به من گفت برای خودت جای بریز. امورات دیگرش نیز مثل ما بود و کاملاً رفتارش شبیه بقیه. بعد دیدم که خیر: او نمی‌ماند به ما گرچه ز ماست. نگاهی به عالم هستی می‌کرد آه می‌کشید و می‌گفت دستگاه خیلی بزرگ است و خیلی‌ها عظمت او را نمی‌دانند. غمخیزم که او فسق و قدرت را قبول کرده است.

اجازه بفرمائید یک بی‌بند و باری دیگر بکنم و چیز دیگری به شما بگویم اگر از قدمای خود بپرسید به شما می‌گویند که در تهران سابق شخصی به نام آقا شیخ رجبعلی خیاط و جلودار داشته است. دکان نبوده است که نقطه التماس

*** پذیرایی خدا «مقطعی نیست، هر گاه او را بخوانی جواب می‌دهد و بدان که عزت خداداده را دیگران از تو نتوانند گرفت.**

شما زیارت جامعه کبیره را به خوانید هر مقدار می توانید و ببینید عزت از ناحیه چه کسی به انسان می رسد. اگر توانستید این عزت الهی را کسب کنید شما شجره طیبه ای خواهید شد که صاحبان عزت از آن پدید می آیند. این والله شعار نیست.

خواهران گرامی، جوانهای عزیز، کتب روانشناسی تعلیم و تربیت و... همه درست است (نوع آن درست است) بالاخره تعدادی استاد زحمت کشیده اند شما هم زحمت کشیده می خوانید ولی اینها تمام مطلب نیست، روح مطلب معنویت است. اگر بنده علم آخرین و اولین دنیا را بدانم ولی معنویت نداشته باشم در جامعه مؤثر نخواهم بود. صاحب دلی می گفت مرا زنده ها نتوانستند درست کنند ولی یک مرده مرا درست کرد. وقتی جسد آقا شیخ مرتضی زاهد را می بردند کسی از دوستان گفت بین آقا شیخ مرتضی زاهد است، من نگاه کردم عوض شدم. این معنویت است. درست هم می گوید.

خدا انشاء... عزیز ما حضرت آیه الله آقای بهاء الدینی را طول عمر بدهد. ایشان می فرمایند گاهی مبدأ میل عوض می شود. یعنی وقتی است که شما به آلبوم، قناری و... علاقه دارید و شما را به معنویت و عرفان و... دلالت می کنند گاهی هم این میل را از دل شما بیرون می کشند یعنی بقول ایشان مبدأ میل را عوض می کنند. ابو حمزه در دعای خود می گوید: سیدی اخرج حب الدنيا من قلبي: یعنی آقای من محبت دنیا را از دل من خارج کن. مرحله بعد نیز دارد یعنی پس از خروج محبت اهل بیت را جایگزین کن. حشر با اهل بیت را در پشت سر دارد. شما می فرمائید عجب حرفی است بله خواهر من در دنیا نیز حشر با اهل بیت وجود دارد. یک حشر اینجا داریم و یک حشر آنجا. جهنم در اینجا نیز هست. این جهنم

است که صدام برای خود درست کرده است. بهر حال من امیدوارم صد در صد دنبال رضای خدا باشید که این مسیر مبدأ میل شما را عوض می کند. من امیدوارم خداوند برای شما چیزی خوب بفرستد. جوانان زیادی در محله می کشند که گویا بیرون جواب من (نمی بینند) است دیده اید گاهی پزشک می گوید دارو ننسید یا نمی شود گاهی نسخه هم می نویسد ولی دارو نیست.

حضرت سجاد فرمودند: **فلک من لیس له حکیم** پر شده یعنی بی حکیم و بی مرشد هلاک شد.

اگر حکیم پیدا نشد حداقل به دانسته های خودتان عمل کنید. و دنبال رضای محبوب واقعی باشید. خداوند می فرماید: **إليه يصعد الكلم الطيب** علامه طباطبایی می فرمودند یکی از معانی کلمه طیب اعتقادات صحیح است که الحمد... همه شما واجبت هستید معارف را خداوند ولو بطور نسبی در قلب شما داخل کرده است. ولی فقط وجود عقاید صحیح کافی نیست بلکه باید محرک باشد و انسان را به جایی برساند. می فرماید عقاید صحیح بسوی خدا بالا می رود و به امضاء خدا می رسد. **والعمل الصالح** یرفعه یعنی عمل صالح کلمه طیب را بلند می کند. یعنی عاقبت بخیری یعنی جاودانگی و قوت اعتقادات و اوج آنها با عمل صالح میسر است. شما که جوان هستید موفقترید. از خدا بخواهید تا موفق باشید ما که جوانی را از دست داده ایم و من که جوانها را می بینم حسرت می خورم.

شاعر می گوید:

افسوس که نامه جوانی طی شد
وان تازه بهار شادمانی تی شد
آن مرغ طرب که نام او بود شباب
افسوس ندانم که کی آمد کی شد
دیگری هم می گوید:

هنگام سپیده دم خروس سحری دانی که چرا کند همی نحوه گری یعنی که نموده اند در آینه صبح کسوف عمر شیخی گذشت و تسوی خبری بیداری نیمه شب خیلی فضیلت است. گویا دکان را نیز بخورید دکان زیاد باز شده است به قول یکی از دوستان قدم به قدم، دکانهای دوتیش و سه تیش و همه شکل.

خداوند مرحوم شاه آبادی استاد امام را رجعت فرماید، امام وقتی اسم ایشان را می آورد می فرمودند: مرحوم شاه آبادی علیه السلام می فرمودند من در تمام عمر مردی به این لطیفی ندیده ام. لطافت روح عجیبی داشت. ایشان به شاگردان خود می گفتند که آدم اگر نصف شب یک قلیان هم بکشد (به عنوان مثال) غنیمت است. یعنی بیداری نصف شب اینقدر مهم است.

شما از همین زمان جوانی عمل صالح را شروع کنید روایتی است که عمل صالح را دست کم نگیرید گاهی می بینید که عمل صالح سرنوشت یک نفر را عوض می کند. بیاد دارم در سفر حجی، شیخی در کاروان بود که عده ای از صاحب دلان او را بی نور می دانستند و به کج می نگرستند. همین شیخ یک لیوان با محبت چای به سیدی داد تو گویی به خاطر یک لیوان چای ظلمتش را گرفتند و شیخ محبوب شد. بهر حال عمل صالح را دست کم نگیرید ممکن است رضای خدا در یک عمل مستتر باشد. خداوند فرج مولایمان «امام زمان» را نزدیک بگرداند و بر علو درجات شهدا بیفزاید. بی ادبی ها و غفلت هایمان را به حضرت زهرا ببخشاید. حسن عاقبت عنایت فرماید و هر یک از شما خواهران را شجره طیبه ای قرار دهد و دعایتان را در حق من مستجاب گرداند.

والسلام علیکم و رحمة...